



تور نمایشی و سیاسی کاپولا در آمریکا

فرانسیس فورد کاپولا، کارگردان معروف فیلم‌هایی مانند «پدرخوانده»، «تور شش‌روزه نمایش فیلم‌اش در آمریکا را برگزار می‌کند. فیلم جدید کاپولا «مگالوپولیس» نام دارد که پیش‌تر در جشنواره کن به نمایش درآمده بود. این فیلم داستان معماری جوان با نقش‌آفرینی آدام درایور است که می‌خواهد ساخت شهری ایده‌آل و آرمانی باشدور در این‌راه با یک شهردار محافظه‌کار و فاسد مقابله کند. سرمایه‌گذار اصلی این پروژه ۱۲۰ میلیون دلاری شخص کاپولاست. کاپولا سال‌هاست فعالیت سیاسی دارد و به‌ویژه منتقد صریح دونالد ترامپ بوده است. او در سال ۲۰۲۴ در یک رویداد زنده به همراه رابرت دنیرو و اسپایک‌لی گفته‌بود که فیلم «مگالوپولیس» استعاره‌ای از سقوط روم است. او در اظهاراتی صریح، دولت آمریکا را متهم کرده که درگیر منافع شخصی و فساد شده است. این تور نخستین نمایش عمومی فیلم پس از جشنواره کن خواهد بود و بنا به گفته کاپولا، هدف آن تحریک بحث‌هایی عمیق و جمعی درباره آینده کشور است.



اعلام زمان پخش سریال ونیس گیلیگان

پس از سال‌ها شایعه و پست‌های مبهم در شبکه‌های اجتماعی، اولین نشانه‌های رسمی از سریال جدید ونیس گیلیگان برای اپل تی‌وی پلاس منتشر شده است. این سریال که «Pluribus» نام دارد، قرار است از هفتم نوامبر پخش شود. این سریال بازگشت گیلیگان به‌دنیای تلویزیون پس از موفقیت‌های «بریکنینگ بد» و «بهتره با ساول تماس بگیری» است و در آن از قرار، رتا سپه‌ورن نقش اصلی آن‌را ایفا می‌کند. جزئیات زیادی درباره این سریال ۱۰ قسمتی منتشر نشده اما گیلیگان تأکید کرده که این سریال را ویژه سپه‌ورن نوشته‌وبر خلاف شخصیت‌های اخلاقی گریز والت وایت و جیمی مک‌گیل، این بار داستان درباره آدم‌خوب‌ها است. در توضیح داستان تنها یک جمله مبهم آمده: «اثری ژانرگریز که در آن بدبخ‌ترین فرد زمین، باید دنیا را از خوشبختی نجات دهد.» «Pluribus»، یکی از پربانتظارترین سریال‌های سال و آزمون‌ی بزرگ برای گیلیگان است که این بار از جهان «بریکنگ‌بد» خارج شده و وارد سرزمینی ناشناخته‌می‌شود.



کین خواستار پایان گرسنگی در غزه شد

مایکل کین، بازیگر نامدار بریتانیایی، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس خواستار اقدام فوری جامعه جهانی برای نجات کودکان گرسنه در غزه شد. او در پی شدت‌گرفتن بحران انسانی در این منطقه، در دوپست جداگانه نوشت: «نمی‌توانم کودکان غزه را ببینم که برای غذا التماس می‌کنند. باید به بی‌گناهان فرصتی برای زندگی داده شود.» این بازیگر ۹۱ ساله که تاکنون درباره جنایات اسرائیل در غزه موضع‌گیری علنی نداشت، این بار صراحتاً ز وضعیت کودکان فلسطینی ابراز نگرانی کرده و به گفته بسیاری از کاربران، سکوت هنرمندان را شکسته‌است. اظهارات کین با واکنش گسترده مخاطبان در فضای مجازی همراه شد و بسیاری با تحسین این اقدام، بر ضرورت همراهی چهره‌های شناخته‌شده به‌عنوان صدای قربانیان تأکید کردند. در شرایطی که سازمان‌های بشردوستانه نسبت به قحطی گسترده در غزه هشدار داده‌اند، این پیام هنرمندانه به‌عنوان صدایی مهم در دفاع از زندگی کودکان بی‌پناه تلقی می‌شود.

فرهنگ

CULTURE

۱۴

سینمای جهان



معمار اسرارآمیز فیلم – مقاله

درباره سینمای کریس مارکر در زادروز و سالمرگ این نابغه سینمای جهان

را پذیرفته بود و می‌گفت: فیلم‌های من برای مخاطب کافی است. ماهیت معمایی مارکر نه به‌عنوان یک مانع، بلکه به‌عنوان بخشی جذابی‌ن‌پذیر از بیانیه هنری اوست. این انتخاب نه صرفاً یک ویژگی شخصی، بلکه یک تصمیم پایدار و فعال در طول دوران حرفه‌ای گسترده او بود. این نشان می‌دهد که مارکر عمداً شخصیت عمومی خود (یا فقدان آن) را به‌عنوان امتدادی از پروژه هنری و فکری خود طراحی کرده است. با منحرف کردن توجه از خود فیزیکی‌اش، او مخاطبان را مجبور کرد که در درجه اول و تنها با آفرینش‌های سینمایی و فکری او درگیر شوند. این اقدام عامدانه، به یک ویژگی اصلی و تعیین‌کننده جهان سینمایی او تبدیل می‌شود و به یک درگیری فکری عمیق‌تر با فیلم‌هایش دعوت می‌کند. این استراتژی، اثر را به موضوع اصلی تحقیق ارتقاء می‌دهد، نه فرد پشت آن. جهان سینمایی مارکر با درگیری مداوم و عمیق با تقاطع مضامین شخصی و سیاسی مشخص می‌شود. مجموعه آثار او تأملی بر ماهیت زمان، انعطاف‌پذیری حافظه و بافت پیچیده تاریخ است.

► پیدایش یک چشم‌انداز

کریس مارکر، در ۲۹ ژوئیه ۱۹۲۱ در نوبی سور سن، فرانسه متولد شد. با این حال مارکر در مورد سال‌های اولیه زندگی خود گاهی ادعا می‌کرد که در اولان‌باتور مغولستان به

دنیا آمده است. این ابهام خودساخته به بخشی از شخصیت افسانه‌ای و مرموز او تبدیل شد. پیش از جنگ جهانی دوم، مارکر دانشجوی فلسفه در فرانسه بود. او به‌طور خاص در اواخر دهه ۱۹۳۰ با ژان پل سارتر فلسفه خواند؛ تجربه‌ای که بدون شک دقت فکری و دیدگاه انتقادی او را شکل داد. در طول اشغال فرانسه توسط آلمان، او فعالانه به گروه ماکی (FTP)، بخشی از مقاومت فرانسه، پیوست، مشارکت او در مقاومت به وضوح نشان‌دهنده تعهد اولیه او به آرمان‌های سیاسی و ضداقتدارگرایی است.

این ترکیب منحصربه‌فرد از نظم فکری و درگیری مستقیم سیاسی، سنگ بنای کل آثار سینمایی مارکر را تشکیل می‌دهد. پرسش‌های فلسفی او در مورد حافظه، زمان و ماهیت واقعیت مستقیماً از آموزش فلسفی او نشأت می‌گیرد. همزمان، انتقادات سیاسی و اجتماعی پرشور او، که از موضع ضداستعماری «مجسمه‌هانیز می‌میرند» تافیلیم‌های بعدی او مشهود است، ریشه در تجربه مقاومت او دارد.

پس از جنگ، مارکر حرفه روزنامه‌نگاری را آغاز کرد و ابتدا برای مجله «اسپریت»، یک مجله نئوکاتولیک و مارکسیست می‌نوشت. جایی که ارتباط مهمی با آندره بازن، روزنامه‌نگار همکارش برقرار کرد. برای اسپریت، مارکر طیف متنوعی از نوشته‌ها، از جمله تفسیرهای سیاسی، شعر، داستان‌های کوتاه و نقدهای سینمایی را ارائه کرد. این تلاش‌های اولیه روزنامه‌نگاری، در شکل‌گیری صدای ادبی متمایز او که بعدها به نشانه سبک سینمایی او تبدیل شد، اساسی بودند. نوشته‌های اولیه او (۱۹۵۴-۱۹۴۸)، که در مجموعه «نوشته‌های اولیه سینمایی کریس مارکر» گردآوری شده‌اند، به‌طور پرشور از سینما به‌عنوان یک شکل هنری متمایز دفاع می‌کردند و بر ظرفیت‌های منحصربه‌فرد آن برای حرکت، فضا و زمان و روش‌های ذاتی داستان‌گویی بصری آن تأکید داشتند. او چشم‌اندازی از سینما را به‌عنوان وارث مشروع نقاشی و تئاتر ترسیم کرد که مقدر شده بود فتوحات هنری آن‌ها را به کمال برساند.

این پیشینه ادبی عمیق تنها پیش‌درآمدی بر فیلمسازی او نیست، بلکه یک عنصر ذاتی و بنیادی از زبان سینمایی منحصr به فرد اوست. فیلم‌های او، که اغلب به‌عنوان فیلم-مقاله دسته‌بندی می‌شوند، امتدادهای بصری و شنیداری مستقیم فرم مقاله‌مکتوب هستند، جایی که ایده‌ها به شیوه‌ای گفتمانی کاوش، تأمل و کنار هم قرار می‌گیرند. مونتاژ پیشگامانه او روایت صوتی تأمل‌برانگیز، ترجمه‌های سینمایی مستقیم ذهن ادبی او هستند. این رویکرد به او اجازه داد تا معانی را لایه‌بندی کند، مفاهیم فلسفی پیچیده را کاوش کند و ساختارهای روایی متعارف را به روش‌هایی به چالش بکشد که سینمای سنتی اغلب قادر به انجام آن نبود. این حساسیت ادبی عمیق، دلیل اصلی عمق فکری، نوآوری فرمی و ساختار منحصربه‌فردی است که فیلم‌های او را تعریف می‌کند و جهان سینمایی او را واقعاً متمایز می‌سازد.

خروجی ادبی مارکر همچنین شامل اولین رمان او، «قلب پاک»، منتشر شده در سال ۱۹۴۹ و «کره‌ای‌ها» در سال ۱۹۶۲، مجموعه‌ای از عکس‌ها و مقالات درباره شرایط در کره بود. مجموعه چند جلدی «سیاره کوچک» (۱۹۵۴-۶۴) و تفسیرها (۱۹۶۱)، که فیلمنامه‌ها را با عکس‌های ثابت یکپارچه ارائه می‌کرد، از نظر طراحی کتاب نوآورانه بودند و علاقه اولیه او به تعامل متن و تصویر در مدیوم‌های مختلف را نشان می‌دادند.

در اوایل دهه ۱۹۵۰، علاقه مارکر به طور فزاینده‌ای به فیلمسازی معطوف شد و او شروع به آزمایش با عکاسی کرد. در همین دوره بود که او با آلن رنه و آگنس وارسا آشنا شد، که به چهره‌های محوری در «جنبش سینمایی کرانه‌چپ» تبدیل شدند. اولین تلاش سینمایی او «المپیا ۵۲» (۱۹۵۲) بود، یک مستند بلند ۱۶ میلی‌متری درباره بازی‌های المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی. یک همکاری مهم اولیه، «مجسمه‌ها نیز می‌میرند» (۱۹۵۳) بود که با آلن رنه کارگردانی مشترک داشت. این مستند به‌طور انتقادی هنر سنتی آفریقا و افول آن تحت استعمار غربی را بررسی می‌کرد. این فیلم به‌دلیل موضع ضد استعماری‌اش توسط سانسورچیان فرانسوی ممنوع شد و نسخه کامل آن تا دهه ۱۹۶۰ دیده نشد. رنه بعداً توضیح داد که اگر چه قصد اولیه‌ضد استعماری نبود، اما تحقیقات آن‌ها به ناچار به آن انتقاد منجر شد. مارکر همچنین به‌عنوان دستیار کارگردان در مستند مهم رنه درباره هولوکاست، شب و مه (۱۹۵۵) همکاری داشت.

▼ کرانه‌چپ و تولد فیلم-مقاله

کریس مارکر ارتباط نزدیکی با زیرمجموعه کرانه‌چپ موج نو فرانسه که اغلب به‌عنوان «موج نو ۲» یا گروه کرانه‌چپ شناخته می‌شود، دارد که در اواخر دهه ۱۹۵۰ پدیدار شد. این گروه بر جسته شامل فیلمسازان برجسته‌ای مانند آلن رنه، آگنس وارسا و ژاک دمی بود. کارگردانان کرانه‌چپ عموماً مسن‌تر بودند و حساسیت ادبی و فکری برجسته‌تری نسبت به گروه کایه دو سینما مانند گدار، تروفو داشتند. آن‌ها سینما را عمیقاً شبیه به دیگر هنرها، به‌ویژه ادبیات و خود را بیشتر نویسنده می‌دانستند، ویژگی‌های مشترک آن‌ها شامل گرایش‌های سیاسی مترقی و پیشینه‌ای ریشه‌دار در فیلمسازی مستند بود.

مارکر به‌دلیل ادغام بی‌نقص نویسندگی و فیلمسازی خود مشهور است، نقشی دوگانه که با تفسیرهای صوتی ادبی و استادانه او متمایز می‌شود. او به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان